



مریم جواهری

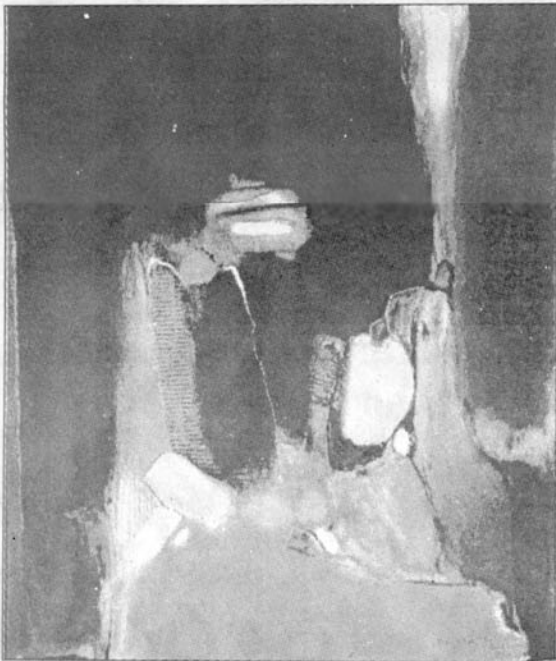
هنوز روی

دیوارهای دنیا

برای تابلو جا هست

(سهراب سپهری)

نوشین معینی کرمانشاهی



جواهری در آثار خود ناموضعی را جستجو می کند و فرم را با شیوه ای انتزاعی به نمایش میگذارد. فضاسازی اثر بوسیله سطوح صاف و مسطح مشخصه کار اوست اما آنچه که به کارش عمق می بخشد حسی است که در درون تابلو می جوشد و آسایش سطوح را بر هم می زند. انگار وقوع زلزله ای پیش بینی شده است یا طوفان نارسیده ای در راه است اما این حس مقطعی، هستی اثر را که به آرامی راه می پیماید مطلقا ناپدید نمی کند و فقط هشدار است در بیان نمودن ناپایداری زندگی. مریم جواهری واژگان نقاشی را چون شاعری پراحساس در خدمت قلم گرفته و تصویر می سازد. تصاویری که چون هایکوها زبانی کم واژه و پرحرفند.

در نمایشگاه گروهی سیحون که تا پایان دسامبر هم ادامه دارد، چهار تابلوی کم نظیر از مریم جواهری زینت بخش دیوارهای آن گالری شده اند. می گویند او بیمار است و به زحمت نقاشی می کند با اینحال از کسی شنیدم که گفته است (تا زنده ام نقاشی خواهم کرد) با امید بهبود برای این هنرمند ارزنده و آرزوی دیدار آثار دیگر او.

مگر می توان در خزان عمر چنین بهارانه نقاشی کرد؟ نقاشی های مریم جواهری جوانند. جوان، نه به معنای ناپختگی که تازه گی - نه بی تجربه گی که خلوص - نه بی باری که بی احتیاجی.

آثار مریم جواهری با پشتوانه چند دهه تجربه هنوز چون عروسانند. زیبایی قیا و رنگ و لعاب لقایشان را که سمبل نجابت و بکارت آنهاست، دغدغه ای پنهان، سراپا تسلیم، کنده اما عمیق، دو چندان کرده است. و آن تشویش، تشویشی که بر سینه اثر راه می رود یا از گوشه ای سر می جنباند از معصومیت درونی هنر مریم جواهری حکایت می کند.

با آنکه رنگ، نقش موثری را در آثار جواهری بر عهده دارد اما بدون شک تابع ساختار است. مکان رنگها بوسیله کمپوزیسیون مشخص و محدود می گردد و ارزشهای آنها را موقعیت ساختار تعیین می سازد.

جواهری از ارزشهای رنگ در پدید آوردن تضاد فرمها یا تجانس آنها به کمال بهره می گیرد و لحظه هایی را در اثر می آفریند که وجود همان لحظه ها هنر او را برتر می سازند.